

Research Paper

Policy Advisory Ecosystem in Iran; From institutional typology to cooperative governance



•Heidar Najafi Rastaghi¹

1.PhD student in public administration, majoring in decision-making and public policy-making, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan and read the article online



Citation: Najafi Rastaghi.H, (2025). [Political consulting biosphere in Iran; From institutional typology to cooperative governance (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 14(53), 156-183.<https://doi.org/10.22034/sspp.2025.2033295.3677>



<https://doi.org/10.22034/sspp.2025.2033295.3677>



Received: 03 Jul 2024

Accepted: 13 Jan 2024

Available Online: 18 Mar 2025

Keywords:

Policy Advisory System, Collaborative Governance, Institutional Capacity, Governance

ABSTRACT

Among the challenges of the governance system in Iran, we can point to the dysfunctions of decision-making and the lack of an integrated Policy Advisory System. Although groups in the country are sporadically engaged in Policy Advisory but what is necessary is to know the Capacity of the Policy Advisory system in the country in a cooperative and interactive environment. Based on this, the aim of this study is: "Identifying the ecosystem of policy advisory in Iran includes typology, types of actors and providing suggestions for collaborative governance among actors with the aim of improving the functions of the policy advisory system in Iran". the research question is: "What are the institutional Capacity of the Policy Advisory Ecosystem in Iran and what suggestions can be made for the formation of collaborative governance in this ecosystem?". The research method is based on a case study and in the findings section: types of Policy Advisory actors in Iran in the form of "government actors", "institutional actors", "defense and security actors", "social actors", "private sector actors", "Howzeh actors", "academic actors" and "innovative governance centers" have been identified. Also, the main processes of this centers including "policy agenda setting and decision-making", "policy socialization and acceleration", "policy ideation", "policy knowledge creation", "policy innovation" and "policy effectiveness" have been identified.

* Corresponding Author:

Heidar Najafi Rastaghi

Address: Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

E-mail: Heidar.najafi@ut.ac.ir

مقاله پژوهشی

زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران؛ از گونه‌شناسی نهادی تا حکمرانی همکارانه

* حیدر نجفی رستاقی¹

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

از جمله چالش‌های نظام حکمرانی در ایران، می‌توان به کژکارکردی‌های تصمیم‌سازی و فقدان نظام یکپارچه مشاوره سیاستی اشاره کرد، به طوری که در برخی موارد در سطوح عالی حکمرانی، طراحی پیشنهادها های سیاستی فاقد بهره‌گیری از سازوکارهای تخصصی مشاوره‌ای است. هر چند مجموعه‌هایی در کشور به صورت پراکنده و جزیرهای مشغول به کنشگری در عرصه مشاوره سیاستی هستند، اما آنچه برای حکمرانان ضروری به نظر می‌رسد شناخت دقیق مختصات این کنشگران در کشور و ابعاد مختلف آن در راستای بهره‌گیری حداکثری در یک محیط همکارانه و تعاملی و زیست‌بومی می‌باشد. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر «شناسایی زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران شامل گونه‌شناسی، انواع کنشگران ارائه پیشنهاداتی در راستای شکل‌گیری حکمرانی همکارانه در کنشگران با هدف ارتقای کارکردهای مشاوره سیاستی در ایران» بوده و سوال پژوهش این است که «مختصات نهادی زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران چیست و چه پیشنهاداتی در راستای شکل‌گیری حکمرانی همکارانه در این زیست‌بوم می‌توان ارائه داد؟». قلمرو مکانی پژوهش در جغرافیای ایران و قلمرو زمانی پژوهش ناظر بر دهه اخیر در کشور می‌باشد. روش پژوهش مبتنی بر مطالعه اسنادی و موردکاوی بوده و در بخش یافته‌های پژوهش انواع کنشگران مشاوره سیاستی در ایران در قالب کنشگران حکمیتی، کنشگران دستگاهی، کنشگران دفاعی امنیتی، کنشگران اجتماعی، کنشگران بخش خصوصی، کنشگران حوزوی، کنشگران دانشگاهی، کنشگران نوآور حکمرانی شناسایی شده است. همچنین در زمینه فرآیندهای اصلی مشاوره سیاستی در این مراکز موارد تصمیم‌گیری و دستور کارگذاری سیاستی، اجتماعی‌سازی و شتابدهی سیاستی، ایده‌پردازی سیاستی، خلق و تولید دانش سیاستی، نوآوری سیاستی و اثربخشی سیاستی احصا شده و در بخش جمع‌بندی پژوهش مبتنی بر هر کدام از گونه‌های مراکز مشاوره سیاستی، مختصات و اختصاصات، مزایا، چالش‌ها و محدودیت‌ها و پیشنهادات ارائه گردیده است.

تاریخ دریافت: ۱۳ تیر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۴ دی ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

نظام مشاوره سیاستی،
حکمرانی همکارانه،
ظرفیت شناسی
نهادی، حکمرانی

* نویسنده مسئول:

حیدر نجفی رستاقی

نشانی: دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: Heidar.najafi@ut.ac.ir

مقدمه

کرده اند، به طوری که مشاوره دهی به سیاستگذاران از حالت سنتی (مشاوره دهی منفک، انفرادی و غیرساختارمند) به یک نظام منسجم و شبکه‌ای از مشاورین سیاستی تغییر موقعیت داده است. با توجه به این رویکرد نوین، در این پژوهش در گام نخست شناختی از ادبیات و مبانی نظام مشاوره سیاستی به انجام رسیده و سپس مبتنی بر رویکرد مورد کاوی، زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران بررسی گردیده و انواع کنشگران در این زیست‌بوم شناسایی شده است.

لازم به ذکر است که زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران در سال‌های اخیر خصوصاً دو دهه اخیر، رشد و گسترش قابل توجهی داشته است، به طوری که بر اساس آخرین نمایه از تعداد اندیشکده‌ها در کشور بر اساس تارنمای جامعه اندیشکده‌ها، بیش از ۲۱۲ اندیشکده در ایران مشغول به فعالیت هستند.^۶ هر چند کنشگران نظام مشاوره سیاستی در ایران صرفاً در قالب اندیشکده‌ها منحصر نمی‌گردد، بلکه در صورت‌های دیگری همچون نهادهای سیاسی، مراکز نظامی امنیتی، گروه‌های لابی، مراکز علمی دانشگاهی، مراکز وابسته به دستگاه‌های اجرایی و ... نیز قابل بررسی می‌باشند که در این گزارش مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. چالش مهمی که در نظام مشاوره سیاستی قابل طرح است، ضعف در یکپارچگی و نظام‌مند بودن تعاملات دولت و حاکمیت با کنشگران این حوزه است، چرا که غالباً اثربخشی این مجموعه‌ها ناشی از تلاش‌های خود این مجموعه‌ها بوده و ساختار منسجم و اکوسیستم هوشمندی در جهت بکارگیری و فعال‌سازی این مراکز در نظام مشاوره سیاستی کشور ایجاد نگردیده است. بر همین اساس در این مقاله پس از تبیین

در سال‌های اخیر در سپهر مطالعات اداره امور عمومی، رهیافت نوینی مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده است به طوری که تغییر پارادایمی در دانش اداره از رویکردهای بالا به پایین (حکومت^۱) به سمت رویکردهای مشارکتی، چنددینفعی، شبکه‌ای و تعاملی (حکمرانی^۲) شکل گرفته است. در این گفتمان مشارکت^۳ و همکاری^۴ از مفاهیم محوری در اداره امور عمومی بوده و این ایده را تداعی می‌کنند که لازمه حکومت داری، توجه به تمام ظرفیت‌های موجود در دولت، بخش خصوصی و گروه‌های مردمی است. بر این اساس دولت‌ها و حکومت‌ها ضرورت دارد که مبتنی بر یک منطق نوآوری باز^۵ درهای مشارکت و همکاری در امر حکمرانی را به روی همه ارکان و ظرفیت‌ها گشوده و امکان خلق و انتشار نوآوری در بخش عمومی را توسعه ببخشند. یکی از مفاهیمی که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران و متولیان حوزه سیاستگذاری قرار گرفته است با عنوان «مشاوره سیاستی» قابل طرح است، به طوری که امر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، نیازمند بهره‌گیری از مجموعه، شبکه یا سیستمی از مشاورین هست که در قالب‌ها و گونه‌های نهادی مختلفی بر فرآیند دستور کارگذاری و سیاستگذاری، تاثیر گذاشته و امکان جهت‌دهی به فرآیند مذکور مبتنی بر ظرفیت‌های دانشی و روشی خود را دارا می‌باشند. پس از طرح موضوع مشاوره سیاستی در حوزه علمی و دانشگاهی، پژوهشگران این حوزه در گامی جلوتر، مفهوم «نظام مشاوره سیاستی» را طرح

1. Government
2. Governance
3. Participation
4. Collaboration
5. Open Innovation

6. <https://iranthinktanks.com/tt/>

این مراکز با یکدیگر و دولت و حکومت و در نهایت ارتقای نظام‌مند و شکل‌گیری زیست‌بومی یکپارچه از کنشگران نظام مشاوره سیاستی در کشور باشد.

۱. پیشینه پژوهش

نظام مشاوره سیاستی

در سال‌های اخیر برخی مطالعات حوزه سیاست‌گذاری به سیستمی از عناصر متقابل در تدوین سیاست‌ها با عنوان «نظام مشاوره سیاستی»^۷ اشاره دارند (کرفت، هاوالت، ۲۰۱۲) مفهوم «نظام مشاوره سیاستی» توسط هالیگان^۸ در سال ۱۹۹۵ به‌عنوان راهی برای توصیف و تجزیه و تحلیل منابع متعدد مشاوره سیاست مورد استفاده توسط دولت‌ها در فرآیندهای سیاست‌گذاری معرفی شد. در این مطالعه به این موضوع پرداخته شده که چگونه نظام‌های مشاوره‌ای در نتیجه تأثیرات دوگانه افزایش استفاده از مشاوران خارجی - «برونی‌سازی»^۹ - و افزایش استفاده از توصیه‌های حزبی-سیاسی در داخل خود دولت - «سیاسی‌سازی»^{۱۰} تغییر کرده‌اند. (کرفت، هاوالت، ۲۰۱۳) مفهوم یک نظام (سیستم) بیشتر از یک ساختار برای کسانی که در آن کار می‌کنند معنی دارد. این نظام به‌عنوان «مخزن وسیعی از دانش برای سیاست»^{۱۱} تلقی می‌شود که «روابط و جریان‌های دانش و اطلاعات مربوط به سیاست را در میان افراد، سازمان‌ها و مؤسساتی که نقش‌ها و مسئولیت‌های سیاست‌گذاری دارند، پوشش می‌دهد». به عبارت دیگر سیاست عمومی نتیجه یک مجموعه تعاملات پیچیده است: «مجموعه‌ای

نظری ادبیات مشاوره سیاستی، وضعیت کلی زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران طرح‌گردیده و در نهایت در چارچوب مفهوم حکمرانی همکارانه، پیشنهادهای جهت ارتقای زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران ارائه می‌شود.

توجه به موضوع حکمرانی همکارانه در نظام مشاوره سیاستی، از این جنبه حائز اهمیت است که آنچه تاکنون به‌عنوان کارکرد کنشگران فعال در این زیست‌بوم، مشاهده می‌شده، فعالیت‌های منفک، جزیره‌ای و غیرنظام‌مند در رفع چالش‌های نظام حکمرانی در کشور بوده است. هر چند برخی اقدامات موثر در سال‌های اخیر در این زمینه در کشور به انجام رسیده است، به‌عنوان مثال شکل‌گیری کنسرسیومی تحت عنوان «شورای هماهنگی مراکز پژوهشی راهبردی» با حضور مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، موسسه عالی پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت، پژوهشگاه قوه قضائیه و دانشگاه عالی دفاع ملی (بعنوان نماینده ستاد کل نیروهای مسلح) شکل گرفته و جلساتی جهت هماهنگی این مراکز در راستای ارتقای نظام مشاوره سیاستی در کشور برگزار گردیده است، ولی هنوز با وضع مطلوب در این زمینه فاصله داریم به‌طوری‌که همه کنشگران مشاوره سیاستی به صورت نظام‌مند در این زیست‌بوم نقش‌آفرینی نداشته و شاکله همکاری این مراکز بیشتر مبتنی بر نزدیکی و دسترسی به قدرت و ابتکارات فردی و غیرسیستماتیک بوده است. بر همین اساس در این پژوهش مفهوم حکمرانی همکارانه طرح‌گردیده است، به این معنا که ضرورت دارد نسبت به این کنشگران گونه‌ای از حکمرانی اعمال شود، که مبنای آن مشارکت و همکاری فعال

7. policy advisory system

8. Halligan

9. externalization

10. politicization

11. a vast repository of knowledge for policy

سیاست‌گذاران ارائه می‌کنند. (کرفت، وایلدر، ۲۰۱۷) در موج‌های متاخر مطالعات نظام‌های مشاوره سیاستی استدلال می‌شود که: (۱) واحد تجزیه و تحلیل از خدمات عمومی به سیستم‌های مشاوره‌ای تغییر می‌یابد، (۲) عملکرد و پویایی سیستم مشاوره بر اساس زیرسیستم‌ها و زمینه‌ها^{۲۰} مورد توجه قرار می‌گیرد و (۳) بر روی موضوعاتی تمرکز می‌کند که چرا اجزای سیستم مشاوره در موارد خاصی از موضوعات سیاست منحصر می‌شوند. (کرفت، وایلدر، ۲۰۱۷) در برخی مطالعات به نسبت نظام مشاوره سیاستی در چارچوب یک سیستم حکمرانی چندسطحی^{۲۱} پرداخته شده است که در بسیاری از کشورها صادق است، به‌عنوان مثال، ایالات متحده، آلمان و کانادا، همه سیستم‌های فدرال با ساختارهای زیرملی گسترده داشته و به‌عبارتی در چند سطح فراملی، ملی و محلی سیستم‌های مشاوره سیاستی مشغول به فعالیت می‌باشند. (هاولت، ۲۰۰۹)

در برخی از مطالعات حوزه نظام مشاوره سیاستی به بررسی نقش بازیگران «سایه»^{۲۲} یا «نامرئی»^{۲۳} می‌پردازد که توسط دولت‌ها به‌عنوان مشاوران مدیریتی یا سایر انواع سیاست‌گذاری برای انجام فعالیت‌های مرتبط با فرآیندهای توسعه و ارزیابی سیاست به کار گرفته می‌شوند. (هاولت، میگن، ۲۰۱۳) همچنین کانون‌های تفکر^{۲۴} نیز در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در سه دهه گذشته تکثیر شده‌اند و اغلب به‌عنوان کنشگرانی تاثیرگذار در سیاست‌های عمومی در نظر گرفته می‌شوند. (فرایسن، هالپین، ۲۰۱۷)

از تعاملات بین بازیگران در یک سیستم»^{۲۵}، هر چند برخی از صاحب‌نظران از اصطلاحات جایگزین مانند «شبکه نهادهای مشاوره»^{۲۶} (او.ای.سی.دی، ۲۰۱۷) استفاده می‌کنند.

غالب مطالعات حوزه نظام مشاوره سیاستی در کشورهای کلاسیک آنگلو ساکسون «وستمینستر»^{۲۷} (کانادا، بریتانیا، استرالیا، نیوزیلند) مطرح بوده است (هاولت، هالیگان، ۲۰۱۷) مطالعات اخیر نشان داده است که تصمیم‌گیرندگان دولتی در مرکز شبکه پیچیده‌ای از مشاوران سیاست قرار دارند که شامل مشاوران «سنتی» در دولت و همچنین طیف وسیعی از مشاوران خارج از دولت است. بازیگران خارجی غیر دولتی شامل سازمان‌های غیردولتی، اتاق‌های فکر و سایر سازمان‌های مشابه است. (هاولت، میگن، ۲۰۱۳) در میان این مشاوران مشاوران بخش خصوصی هستند که به صورت کم و بیش موقت برای ارائه مشاوره و تخصص وارد دولت‌ها می‌شوند و معمولاً چهار نوع تخصص مرتبط در این زمینه عبارتند از: (۱) تخصص علمی^{۲۸}، (۲) تخصص خط‌مشی^{۲۹}، (۳) تخصص فرآیند^{۳۰} و (۴) تخصص ابزار^{۳۱}. (هاولت، میگن، ۲۰۱۳)

«نظام‌های مشاوره سیاستی» برای حرکت فراتر از ملاحظات فردی بازیگران به ارزیابی اثرات تعاملی مجموعه‌های به هم پیوسته متعدد کنشگران در حوزه‌های قلمرو دولت که توصیه‌های سیاستی را به

12. Public policy is the outcome of a complex set of interactions among actors in the system

13. network of advisory bodies

14. OECD

15. Westminster

16. scientific expertise

17. policy expertise

18. process expertise

19. instrument expertise

20. Context

21. multi-level governance systems

22. shadow

23. invisible

24. Think tanks

گونه‌شناسی سه وجهی نظام مشاوره سیاستی

بر اساس آنچه بلوم و برانز مطرح می‌کنند، کنشگران نظام مشاوره سیاستی در سه عرصه کلی عرصه دولت و حکومت، عرصه علم و عرصه جامعه (اجتماعی) قابل دسته‌بندی می‌باشند. در عرصه دولت و حکومت کنشگرانی همچون کمیته‌های پارلمانی، مشاورین خدمات مدنی و عمومی و مشاورین فردی مشغول به فعالیت بوده، در عرصه علم کنشگرانی همچون دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، موسسات و شخصیت‌های علمی و در عرصه اجتماعی نیز کنشگرانی همچون گروه‌های ذینفع، احزاب سیاسی، سازمان‌ها، رسانه‌ها، مشاورین، NGO ها و گروه‌های شهروندی در مشاوره سیاستی نقش‌آفرین می‌باشند. اندیشکده‌ها به مثابه کنشگری مرزی در لایه میانی جامعه و نهاد علم مستقر بوده، مراکز تحقیقاتی کاربردی در لایه میانی عرصه حکومت و نهاد علم فعالیت داشته و گروه‌های نمایندگی^{۳۳} نیز در لایه واسط جامعه و نهاد حکومت به کنشگری در نظام مشاوره سیاستی مشغول می‌باشند. (بلوم و برانز، ۲۰۱۷)

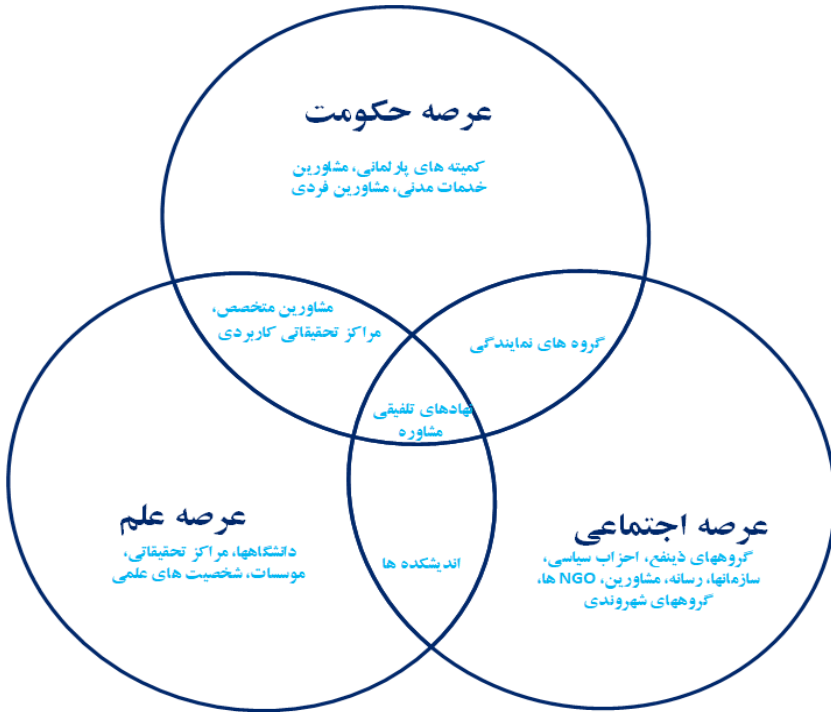
در تقسیم‌بندی دیگری، کنشگران نظام مشاوره سیاستی به دو گروه اصلی کنشگران نزدیک^{۳۴} و کنشگران پیرامونی^{۳۵} و از سویی دیگر به دو گروه کنشگران بخش عمومی/حکومتی^{۳۶} و کنشگران بخش غیرحکومتی^{۳۷} تقسیم‌بندی می‌شوند. بر اساس این چهارچوب کنشگران نظام مشاوره سیاستی در لایه کنشگران نزدیک/بخش عمومی و

برخی مطالعات به پنج نقش متمایز مشاورین سیاست‌گذاری اشاره دارند که شامل تنظیم دستور کار^{۲۵}؛ پیوند دادن ایده‌ها، علایق و فرصت‌ها^{۲۶}؛ بسیج کردن^{۲۷}؛ چانه زنی^{۲۸}؛ و ارائه^{۲۹} می‌باشد. (مالی، ۲۰۰۰)

در ادبیات مشاوره سیاست، چند موج اصلی تمرکز پژوهش وجود داشته است. در موج اول، تمرکز بر روی کنشگران منفرد مشاوره سیاست^{۳۰} متمرکز بود. یک نوآوری کلیدی توسط هالیگان ارائه شد، که به دنبال چارچوب‌بندی توصیه‌های سیاست‌گذاری در یک سیستم مشاوره سیاستی، با تمرکز بر کنترل و موقعیت‌یابی در دولت بود. در تحقیقات بعدی، کرافت و وایلدنر خواستار «موج دوم» تحقیقات شدند که همچنین به دنبال ادغام عواملی مانند محتوای سیاست و زمینه بود، اما همچنین منعکس‌کننده چشم‌انداز مشاوره چندمرکزی^{۳۱} فزاینده بود. مطالعات جدیدتر در این زمینه با تمرکز واضح‌تر بر سیستم مشاوره سیاست و پویایی‌های نهادی، از فراخوان موج سوم حمایت می‌کند، اما به‌طور اساسی، موضوع «تقاضا»^{۳۲} را در نظام مشاوره سیاستی گسترش داده و اولویت‌بندی می‌کند. استدلال اصلی ارائه شده در این مورد این است که پویایی «تقاضا» (یا آنچه هالیگان آن را کنترل دولت می‌نامد) باید به‌طور کامل‌تری مورد بررسی قرار گیرد و در درک فعلی پویایی به آن اهمیت بیشتری داده شود. (منورینگ، ۲۰۱۸)

25. agenda-setting
26. linking ideas, interests and opportunities
27. mobilizing
28. bargaining
29. delivering
30. single policy advice actors
31. polycentric advice landscape
32. dynamics of 'demand'

33. Advocacy
34. proximate actors
35. peripheral actors
36. Public/ Governmental Sector
37. Non Governmental Sector



نمودار یک- اجزای نظام مشاوره سیاسی (بلوم و براز، ۲۰۱۷)

غیرحکومتی گروهی قرار گرفته که با عنوان «کنشگران بخش خصوصی»^{۴۰} شناخته شده و شامل مشاورین، کارکنان احزاب سیاسی و نظرسنجی‌ها می‌شوند.

در نهایت در تقاطع کنشگران پیرامونی/بخش غیر حکومتی، گروهی با عنوان «کنشگران خارجی»^{۴۱} شکل گرفته که شامل مواردی همچون گروه‌های منفعت بخش عمومی، انجمن‌های بازرگانی، واحدهای تجاری، دانشگاهیان، اندیشکده‌ها، رسانه‌ها و ... را در بر می‌گیرد. (هاولت، ۲۰۱۱)

حکومت با عنوان «کنشگران اصلی»^{۳۸} نظام مشاوره سیاسی شناخته می‌شوند و شامل مواردی همچون آژانس‌های مرکزی، کارکنان اجرایی و تحلیلگران سیاست حرفه‌ای درون حکومت می‌شوند.

در لایه کنشگران نظام مشاوره سیاسی در تقاطع کنشگران پیرامونی/بخش عمومی حکومتی با عنوان «کنشگران بخش عمومی»^{۳۹} شناخته شده و شامل مواردی همچون کمیسیون‌ها و کمیته‌ها، نیروهای ضربت و شوراها/متخصصین پژوهشی می‌شوند.

در تقاطع کنشگران بخش بازیگران نزدیک/

40. Private sector insider

41. Outsiders

38. Core actors

39. Public sector insider

حکمرانی همکارانه و ارتقای زیست‌بوم مشاوره سیاستی

محور درگیر می‌کنند و هدف آن نیز ایجاد یا اجرای سیاست عمومی یا مدیریت عمومی برنامه‌ها و منابع است (آنسل، گاش، ۲۰۰۸)

آنسل و گاش^{۴۷} در مدل حکمرانی همکارانه بر شرایط اولیه خاصی تأکید می‌کنند که تحت این شرایط همکاری بین کنشگران دولتی و غیردولتی تسهیل می‌گردد و یا از بین می‌رود؛ این شرایط عبارت‌اند از: پیش‌زمینه‌هایی (سطح اعتماد اولیه) که بین ذینفعان درگیر وجود داشته و بر کیفیت مشارکت آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ مشوق‌ها و محدودیت‌های خاصی که در افراد مربوطه، نهادها و سازمان‌ها وجود دارد و شرط دیگری که بر امکان‌پذیری حکمرانی همکارانه تأثیر می‌گذارد با عدم تقارن در قدرت، منابع و دانش تعریف می‌شود. آنسل و گاش این شرط را از این حیث مهم می‌دانند که: اگر برخی از ذینفعان دارای ظرفیت، سازمان، وضعیت یا منابع کافی برای مشارکت نباشند و یا این عوامل به‌صورت مساوی بین ذینفعان تقسیم‌نشده باشد فرآیند حکمرانی همکارانه توسط کنشگران قوی‌تر دست‌کاری خواهد شد. بر این اساس، هنگامی که به خود فرآیند همکاری می‌رسد، مدل آنسل و گاش تأکید ویژه‌ای بر نقش اعتماد، تعهد و درک مشترک دارند. فرآیند همکاری به‌طور اساسی تحت تأثیر طراحی و رهبری نهادی است. (بارتنبرگر، گرابمولر، ۲۰۱۴)

چارچوب حکمرانی همکارانه امرسون و نباتچی^{۴۸} به‌عنوان یکی از چارچوب‌های شناخته‌شده در حکمرانی همکارانه بر ضرورت تعاملات میان کنشگران، ایجاد بستر مساعد، ضرورت رژیم حکمرانی همکارانه، ایجاد ظرفیت برای اقدام مشترک، توجه به محرک‌ها و عوامل انگیزشی، و شکل‌گیری کنش‌ها، اثرات و

حکمرانی همکارانه ترتیباتی است که طی آن سازمان‌های دولتی مستقیماً با ذینفعان غیردولتی درگیر می‌شوند. نکته مهم این است که این تعریف تأکید می‌کند که دولت بازیگر اصلی است و ابتکار عمل رسمی را برای دستیابی به کنشگران غیردولتی بر عهده می‌گیرد. امرسون^{۴۲} و همکاران (۲۰۱۲) حکمرانی همکارانه را به‌عنوان فرآیندها و ساختارهای تصمیم‌گیری توصیف می‌کنند که ذینفعان را از بخش‌ها و سطوح مختلف درگیر می‌کند که این کار به‌منظور انجام یک هدف عمومی انجام می‌شود که در غیر این صورت نمی‌توان آن را محقق کرد. آگرانوف و مک‌گوایر^{۴۳} (۲۰۰۳) نیز بر غیرقابل‌حل بودن مسائل در غیاب همکاری تأکید می‌کنند و حکمرانی همکارانه را به‌عنوان فرآیندی تعریف می‌نمایند که با مسائلی سروکار دارد که توسط سازمان‌ها به‌تنهایی قابل‌حل نیستند یا به‌آسانی حل نمی‌شوند. بینگهام^{۴۴} و همکاران (۲۰۰۵) و بینگهام و اولری^{۴۵} (۲۰۱۵) بر پیوند میان بخش دولتی و خصوصی تأکید می‌کنند و مفاهیم مدیریت دولتی همکارانه^{۴۶} و حکمرانی همکارانه را باهم ترکیب می‌کنند تا حجم فزاینده‌ای از فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی را توضیح دهند که با همکاری میسر می‌گردند. (بیتوری و اسونسن، ۲۰۱۹) حکمرانی همکارانه شیوه‌ای از حکمرانی است که در آن یک یا چند سازمان دولتی مستقیماً ذینفعان غیردولتی را در یک فرآیند تصمیم‌گیری جمعی، رسمی و اجماع

42. Emerson

43. Agranoff and McGuire

44. Bingham

45. Bingham and O'Leary

46. Collaborative public management

47. Ansell & Gash

48. Emerson & Nabatchi

پژوهشگران مختلفی اجزای ظرفیت نهادی را شامل ظرفیت اداری و ظرفیت سیاسی معرفی کرده‌اند. ظرفیت اداری^{۵۰} به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌های تکنوبوروکراتیک قلمداد می‌شود که برای دستیابی به اهداف رسمی موردنیاز است. ظرفیت سیاسی^{۵۱} شامل کنش متقابل سیاسی میان کنشگران دولتی و نظام سیاسی با بخش‌های اجتماعی-اقتصادی و افرادی است که در عرصه بین‌المللی فعالیت دارند. (فونتر، بورگو، ۲۰۱۸)

ظرفیت‌سازی فرآیندی است که طی آن افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و جوامع توانایی‌های خود را - چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت جمعی - برای تعیین و دستیابی به اهداف، انجام وظایف، حل مشکلات و ایجاد ابزارها و شرایط موردنیاز برای امکان‌پذیر کردن این فرآیند توسعه می‌دهند. (ونکاتش و همکاران، ۲۰۱۹). ظرفیت‌سازی یک رویکرد چند سطحی یا نظام‌مند است و بین سطوح مختلف آن وابستگی متقابل وجود دارد. (آنسل، گاش، ۲۰۰۸)

به همین منظور چهار عامل: تجدید ساختار نظام‌های ارزشی؛ توسعه ظرفیت انسانی؛ تغییر ظرفیت نهادی و اصلاح ساختار سازمانی برای ظرفیت‌سازی در نظر گرفته می‌شوند و هر تلاشی برای بهبود ظرفیت باید به‌طور هم‌زمان به این عوامل توجه نماید. (تامنه و همکاران، ۲۰۱۹). از جمله جهت‌گیری‌های اساسی در ظرفیت‌سازی، رویکرد نوآورانه است به نوعی که ضرورت دارد دولت‌ها و حکومت‌ها جهت‌گیری‌های نوآورانه و ظرفیت‌سازی‌های نهادی ناظر بر نوآوری را توسعه ببخشند. (زندى، خیاطیان، ۱۴۰۲)، (فرتاش و همکاران، ۱۴۰۲)، (الیاسی، ۱۴۰۱).

پذیرش همکاری‌ها توسط دولت و سازمان‌های دولتی اشاره دارد. (امرسون، نباتچی، ۲۰۱۹)

ضرورت توجه به ظرفیت نهادی و ظرفیت‌سازی کنشگران زیست‌بوم مشاوره سیاستی

یکی از مولفه‌هایی که در چارچوب حکمرانی همکارانه مورد توجه بوده مفهوم ظرفیت نهادی و ظرفیت‌آفرینی برای همکاری‌های مشترک توسط کنشگران به شمار می‌آید. به این معنا که در صورتی که به ارتقای نقش‌ها و کارکردهای مراکز مشاوره سیاستی توجه داریم، ضرورت دارد که ظرفیت نهادی نظام عرضه و تقاضا در زمینه مشاوره سیاستی را ارتقا ببخشیم. به این معنا که در راستای شکل‌گیری زیست‌بوم کارآمد مشاوره سیاستی، از سمت تقاضا (دولت و حکومت) ضرورت دارد اصلاحات ساختاری و فرآیندی و به‌عبارتی ظرفیت‌سازی^{۴۹} صورت پذیرد و از سویی دیگر در سمت عرضه (مراکز مشاوره سیاستی) نیز ارتقای ظرفیت نهادی صورت گیرد. بر همین اساس در این بخش مختصراً مفهوم ظرفیت نهادی و ظرفیت‌آفرینی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ظرفیت یک نهاد اساساً محصول تعاملات پویا میان سیاست‌ها، قوانین و مقررات حاکم بر نهاد و افرادی است که نهاد را مدیریت می‌نمایند. (آبراهام، ۲۰۲۰) ظرفیت نهادی می‌تواند ترتیبات و مکانیسم‌های سازمانی را برای هماهنگی و همسویی اقدامات چند سطحی دولت (ادغام عمودی) و توانمندسازی جامعه برای مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری (ادغام افقی)، از طریق کنش جمعی میان نهادهای رسمی و غیررسمی در برگیرد. (سید، لرنر، ۲۰۲۳) ظرفیت نهادی را می‌توان به‌عنوان محصول نوظهور تعاملات بین کنشگران مختلف درک کرد (اسپکینگ، ۲۰۱۳)

50. The administrative capacity

51. Political capacity

49. Capacity Building

مبنای انتخاب چارچوب مشاوره سیاستی در پژوهش

از آنجایی که مطالعات حوزه مشاوره سیاستی، بسیار جدید بوده، در ایران در نقطه شروع این مطالعات قرار داریم. در مطالعات بین‌المللی نیز غالباً مطالعات انجام گرفته در این حوزه، به طرح بحث‌های نظری ابتدایی و مطالعات علم‌سنجی و بعضاً کاربردی مشاوره سیاستی در حوزه‌های موضوعی خاص به انجام رسیده است و هنوز مدل جامع و یکپارچه‌ای که مورد وفاق پژوهشگران این حوزه باشد تدوین نشده است. از آنجایی که در این مطالعه هدف اصلی پژوهش، شناسایی مختصات کنونی مشاوره سیاستی در ایران بوده است، تلاش گردید که یکی از مطالعات و مدل‌های موجود که بیشتر در مطالعات مورد استناد قرار گرفته (برنز و همکاران، ۲۰۱۷) و در چندین مقاله خارجی به آن استناد شده، مبنای قرار داده شود و بر اساس همان مطالعه وضعیت کنونی مشاوره سیاستی در ایران تحلیل گردد. همچنین عامل دیگر انتخاب این مدل قدرت تبیین آن در زمینه انواع ساحت‌های مشاوره سیاستی و امکان تفکیک بهتر و دقیق‌تر در این حوزه می‌باشد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش برای رسیدن به هدف خود از روش مطالعات اسنادی و روش مطالعه موردی (موردکاوی) بهره‌گیری نموده است. مطالعات موردی، هنگامی انجام می‌شوند که پژوهش‌گر نیازمند فهم یا تبیین یک پدیده است. (ویمر، ۱۳۹۴) در تعریفی مختصر مطالعه موردی، یک کاوش تجربی است، که از منابع و شواهد چندگانه برای بررسی یک پدیده موجود در زمینه واقعی‌اش در شرایطی که مرز بین پدیده و زمینه آن به‌وضوح روشن نیست، استفاده می‌کند. (رابرت، ۱۹۸۹) مطالعه موردی یکی از روش‌های

تحقیق کیفی است (گال، ۱۳۸۳) که از جهاتی بسیار حائز اهمیت است: الف) شناخت کل واقعیت؛ تنها با استفاده از این روش می‌توان کل یک واقعیت را فهمید. روش موردی، بهترین شیوه برای پیاده کردن دیدگاه‌های کل‌نگر و همچنین اندیشه‌های آنانی است، که بر پیکربندی واقعیت تکیه دارند. ب) شناخت ابعاد نهان پدیده اجتماعی؛ تحقیق موردی، واقعیت را در کنه آن بررسی می‌کند، به اعماق دست می‌یابد و به مطالعات ژرف‌انگر می‌پردازد. ج) دستیابی به کلیت منحصر به‌فرد؛ همیشه در جامعه، آینده‌ای خاص و کلیتی بی‌نظیر وجود دارد؛ که شناخت آن، تنها از طریق مطالعات موردی امکان‌پذیر است. (ساروخانی، ۱۳۷۳)

مطالعه موردی دارای ۵ مرحله اصلی است (ویمر، ۱۳۸۴) که در این پژوهش در راستای موردکاوی و گونه‌شناسی کنشگران زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران مراحل زیر طی شده است:

۱- طراحی مطالعه؛ نخستین موضوع مورد نظر مطالعه موردی این است که چه باید مورد بررسی و مطالعه قرار بگیرد. در این مطالعه نیز طراحی مطالعه شامل گردآوری و شناسایی و صورت‌بندی همه کنشگران فعال در حوزه مشاوره سیاستی در ایران بر اساس اطلاعات و اسناد موجود در این حوزه و بهره‌گیری از نظرات مطلعین کلیدی این حوزه بوده است.

۲- مطالعه؛ در این پژوهش در گام دوم، مطالعه نظری پیرامون چارچوب‌بندی نظری پیرامون گردآوری کنشگران فعال در حوزه مشاوره سیاستی در ایران و گونه‌شناسی و صورت‌بندی این کنشگران در قالب مفهوم زیست‌بوم نظام مشاوره سیاستی انجام گرفته است. در این مرحله ادبیات نظام مشاوره سیاستی مورد مطالعه قرار گرفته است و از میان

جدول ۱- گونه‌شناسی خبرگان مورد نظر پژوهش

کلان حوزه	تخصص	سابقه کار	وابستگی سازمانی
فعالین اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر	دکتری سیاستگذاری علم و فناوری	۱۲	مرکز پژوهشی حاکمیتی
	دانشجوی دکتری مدیریت دولتی	۵	مرکز پژوهشی حاکمیتی
	دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی	۸	مرکز پژوهشی حاکمیتی
	دکتری آینده پژوهی	۱۳	مرکز پژوهشی حاکمیتی
	دکتری آینده پژوهی	۸	مرکز پژوهشی حاکمیتی
اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی	دکتری سیاستگذاری عمومی	۱۷	دانشگاه تهران
	دکتری خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری	۱۵	دانشگاه علم و صنعت
	دکتری سیاستگذاری عمومی	۲۳	دانشگاه تهران
	دکتری سیاستگذاری عمومی	۲۰	دانشگاه امیرکبیر
	دکتری آینده پژوهی	۱۲	دانشگاه تهران
صاحب‌نظران تحقیقاتی در مراکز مشاوره سیاستی	دکتری مدیریت دولتی گرایش توسعه	۱۰	دانشگاه علامه
	دکتری سیاستگذاری علم و فناوری	۷	دانشگاه علم و صنعت
	دانشجوی دکتری حقوق عمومی	۳	دانشگاه تهران
	دکتری اقتصاد	۷	دانشگاه امام صادق (ع)
	دکتری ارتباطات	۸	دانشگاه امام صادق (ع)

صورت اولیه شناسایی گردید. سپس در تعامل با برخی خبرگان و صاحب‌نظران مشاوره سیاستی (شامل ۱۵ نفر از مطلعین کلیدی) موارد احصا شده اولیه پالایش و مواردی حذف و مواردی به لیست اضافه گردید. لازم به ذکر است ترکیب مطلعین بر اساس سه دسته اصلی فعالین اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر (۵ نفر تحصیلات دانشجوی دکتری در رشته‌های مرتبط با سیاستگذاری عمومی، سیاستگذاری علم و فناوری، علوم اجتماعی، آینده پژوهی و خط‌مشی‌گذاری، اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی (۵ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های برتر دارای دارای فعالیت در رشته‌های مرتبط با خط‌مشی‌گذاری عمومی، سیاستگذاری عمومی، حکمرانی) و صاحب‌نظران تحقیقاتی در

انواع گونه‌شناسی طرح شده در زمینه نظام مشاوره سیاستی چارچوب سه گانه نهاد دولت و حکومت، نهاد علم و نهاد جامعه (بلوم و برانز، ۲۰۱۷) به‌عنوان چارچوب مبنا در پژوهش انتخاب شده است.

۳- گردآوری داده‌ها؛ مبنای اصلی گردآوری داده‌ها بر اساس دو رویکرد مطالعه اسنادی و پرسش از مطلعین کلیدی بوده است. در گام نخست با مراجعه با تارنمای جامعه اندیشکده‌ها لیستی از تمام مراکز فعال در زمینه مشاوره سیاستی احصا شد. پس از بررسی مجزای هر کدام از این مراکز (مراجعه به تارنما، بررسی اهداف، بررسی اساسنامه (در صورت وجود)، بررسی اقدامات و نشست‌ها و ...)، مراکز فعال و تاثیرگذار به

گونه‌شناسی مراکز مشاوره سیاستی بر اساس مطالعه اسنادی و نظرخواهی از مطلعین کلیدی) انجام گرفته است. انطباق کارکردهای ششگانه مراکز مشاوره سیاستی با هر کدام از گونه‌های مراکز مشاوره سیاستی، در ابتدا به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و در مرحله بعد با نظرخواهی از مطلعین کلیدی پیرامون تناسب کارکرد با گونه مراکز مشاوره سیاستی انجام گرفته و در یک فرآیند رفت و برگشتی اصلاح شده است.

۵- گزارش‌نویسی؛ در نهایت در این مرحله بر اساس چارچوب پایه مورد استفاده گونه‌شناسی کنشگران انجام گرفته و پیشنهاداتی مبتنی بر وضعیت‌شناسی نهادی در راستای ارتقای حکمرانی همکارانه در راستای کارآمدسازی نظام مشاوره سیاستی ایران ارائه گردیده است. در راستای تبیین روایی و پایایی این پژوهش از روش اعتباریابی پژوهش‌های کیفی لینکلن و گوبا (۱۹۸۲) بهره‌گیری شده است به طوری که ۴ معیار قابلیت اعتبار^{۵۲}، قابلیت ثبات^{۵۳}، تاییدپذیری^{۵۴} و انتقال‌پذیری^{۵۵} مورد توجه بوده است. به منظور کسب قابلیت اعتبار تلاش شد تا مشارکت کنندگان با حداکثر تنوع تجربیات انتخاب شوند. نمونه‌گیری تا رسیدن داده‌ها به حد اشباع ادامه یافت. به منظور کسب قابلیت ثبات، از حسابرسی تحقیق یعنی بررسی دقیق داده‌ها توسط یک ناظر خارجی جهت افزایش میزان ثبات پژوهش استفاده گردید. به منظور تاییدپذیری فرایند انجام کار در اختیار چند تن از همکاران پژوهش قرار داده شد تا صحت نحوه انجام پژوهش تایید گردد. و در نهایت به منظور کسب قابلیت انتقال‌پذیری، تلاش

مراکز مشاوره سیاستی (دارای مدارک دانشگاهی دکتری در رشته‌های مدیریت دولتی گرایش توسعه، سیاستگذاری علم و فناوری، اقتصاد، جامعه‌شناسی فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری عمومی) بوده است. در این مرحله همچنین با الهام از کارکردهای ذکر شده در مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی انواع کارکرد مراکز کنشگر در مشاوره سیاستی در ایران (با تاکید بر بررسی تارنمای این مراکز و بازنمایی رسانه‌های فعالیت ایشان) به صورت اولیه ۶ نوع کارکرد برای مراکز مشاوره سیاستی احصا گردید.

۴- تحلیل داده‌ها؛ در این پژوهش مبنای اصلی تحلیل داده‌ها ترکیبی از تطبیق الگوها مبتنی بر بهره‌گیری از مقاله پایه گونه‌شناسی کنشگران نظام مشاوره سیاستی (برنز و همکاران، ۲۰۱۷) و تبیین‌سازی بر اساس انواع بازیگران و کنشگران در ایران بوده است. به طوری که در چارچوب پژوهش طرح شده، سه عرصه کلی شامل نهاد حکومت و دولت، نهاد علم و نهاد جامعه به عنوان سه فضای اصلی زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران شناسایی شده است. به منظور گردآوری اطلاعات و اعتباریابی چارچوب نهایی، گفتگو و تعامل فعال با مطلعین کلیدی انجام گرفته است. فرآیند تحلیل داده در چند مرحله گونه‌شناسی و دسته‌بندی انواع مراکز مشاوره سیاستی و همچنین انتخاب مهمترین مراکز فعال در نظام مشاوره سیاستی (به‌عنوان مثال و نمونه) و ترسیم مدل مفهومی زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران بوده است. نظرخواهی و اعتباریابی پژوهش با خبرگان در قالب ارائه یافته‌ها و مدل و نظرخواهی از ایشان در قالب گفتگوی تعاملی بوده است، بدین صورت که در فرآیند رفت و برگشتی مدل احصا شده تکمیل و ارتقا پیدا کرده است. ترسیم و نهایی‌سازی مدل نهایی پژوهش در یک فرآیندی قیاسی (مبنا قرار دادن چارچوب بلوم و برانز (۲۰۱۷)) و استقرایی

52. Credibility

53. Credibility

54. Confirmability

55. Transferability

در برنامه هفتم در زمینه ساماندهی مراکز مشاوره سیاستی (بند پ ماده ۹۴) طرح شده است، نیازمند تدوین آیین‌نامه‌ای است که نقش تنظیم‌گری و حمایتی را قائل باشد نه نقش تصدی‌گری و مداخله در این مراکز. در صورت‌بندی و نظارت بر مراکز مشاوره سیاستی و اندیشگاهی این نقش به وزارت علوم تحقیقات و فناوری محول شده ولی نیازمند کاهش مداخله در این حوزه و ایفای نقش واسطه‌گری و تنظیم‌گری در این زمینه هستیم» عضو هیات علمی دیگر که دارای دکتری سیاست‌گذاری و سابقه فعالیت اندیشگاهی بوده معتقد است «آنچه که در ساماندهی و صورت‌بندی دقیق مراکز مشاوره سیاستی حائز اهمیت است، رجوع به مدل معاونت علمی است که الگوی حمایتی دارد، نه مدل‌های سنتی که مبنای ارزیابی آنها بروکراسی ناکارآمد و معیارهای غیراثربخش است». مبتنی بر ملاحظات خبرگانی، تلاش گردید این نکات در قالب صورت‌بندی منتخب و چارچوب مبنای پژوهش تحلیل و جانمایی گردد. بر اساس آنچه در بخش پیشینه پژوهشی طرح گردید یکی از گونه‌شناسی‌های مربوط به کنشگران نظام مشاوره سیاستی، اهم بازیگران این عرصه را در سه عرصه کلی دولت و حکومت، نهاد علم و جامعه (اجتماعی) دسته‌بندی مینماید. (بلوم و برانز، ۲۰۱۷) بر همین اساس و مبتنی بر گونه‌شناسی بازیگران این عرصه، می‌توان کنشگران نهادی نظام مشاوره سیاستی در ایران را نیز در این سه محور اصلی دسته‌بندی کرد.

کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم دولت و حکومت

کنشگران این سطح معمولاً بیشترین نزدیکی به نهاد قدرت را داشته و کارکرد اصلی ایشان تصمیم‌گیری و دستورکارگذاری سیاستی بر اساس نزدیکی به

گردید استناددهی‌ها معتبر بوده و توصیف روشنی از بستر، نحوه انتخاب و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان، جمع‌آوری داده و فرایند تحلیل ارائه گردد.

لازم به ذکر است که قلمرو مکانی پژوهش ناظر به زیست‌بوم مشاوره سیاستی در کشور ایران بوده و قلمرو زمانی با تاکید بر دهه اخیر در مشاوره سیاستی در کشور می‌باشد.

۳. یافته‌های پژوهش

وضعیت‌شناسی نهادی و گونه‌شناسی کنشگران نظام مشاوره سیاستی در ایران

در راستای احصای چارچوب و مختصات کنونی مشاوره سیاستی در کشور تلاش گردید از نظرات خبرگانی بهره‌گیری شود. در چارچوب مصاحبه‌های تخصصی در زمینه تبیین مکانیزم و سازوکار اثربخشی مشاوره سیاستی یکی از اساتید حوزه خط‌مشی‌گذاری معتقد است: «آنچه که در زمینه نظام اندیشگاهی کشور حائز اهمیت است، نه حمایت و ساماندهی این مجموعه‌هاست، مهمترین مولفه تدوین سازوکاری جهت جانمایی و اثربخشی هرچه بیشتر این مراکز در نظام حکمرانی است، بنابراین در صورت‌بندی ساختار مشاوره سیاستی در کشور نیازمند تبیین سازوکارهای اثربخشی این مراکز هستیم». در گفتگوی دیگری که عضو هیات علمی دانشگاه و دکتری سیاست‌گذاری بیان داشتند: «در حوزه حکمرانی نظام مشاوره سیاستی، نیازمند ایجاد منطق بازار و نظام عرضه و تقاضا هستیم. در صورت‌بندی نظام مشاوره سیاستی در ایران باید هم به ایجاد طرف تقاضای کارآمد (دولت و حکومت یا بخش خصوصی) و هم ایجاد طرف عرضه کارآمد (مراکز اندیشگاهی، مراکز علمی و ...) هستیم» عضو هیات علمی دانشگاه تهران معتقد است: «آنچه

دولت و حکومت می‌توان طرح کرد. کنشگران اصلی شناسایی شده در این دسته به شرح زیر شناسایی شده است:

مراکز مشاوره سیاستی حاکمیتی: این مراکز در لایه دولت و حکومت مشغول به کنشگری بوده و غالباً مطالعات تحلیلی و مشاوره‌های تخصصی در راستای تدوین سیاست‌های عمومی و قوانین کشور با به عهده دارند. با توجه به نزدیکی این مجموعه‌ها و نهادها به ساختار قدرت، میزان تاثیرگذاری زیادی بر روند سیاستگذاری داشته و غالباً ایده‌ها و پیشنهادات و مشاوره‌های تخصصی و سیاستی این مراکز، در دستور کار تصمیم‌گیری مسئولین کشور قرار می‌گیرد. از جمله مهمترین این مراکز می‌توان به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دفتر هیات دولت، ستاد تحول دولت، پژوهشگاه قوه قضائیه، مرکز بررسی‌های استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز نظارت و ارزیابی راهبردی مجمع تشخیص، پژوهشگاه شورای نگهبان، مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری، پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری و ... اشاره کرد.

مراکز مشاوره سیاستی دستگاهی دولتی: این مراکز در سطح و لایه پایین‌تری از نظام حکمرانی مشغول به فعالیت و مشاوره سیاستی بوده و معمولاً در حوزه‌های بخشی سیاستگذاری ورود می‌نمایند. غالباً ذیل یک دستگاه یا وزارتخانه فعال بوده و نظرات مشورتی خود را ناظر به نیازها و مسائل بخشی وزارتخانه یا نهاد مربوطه ارائه می‌دهند. از جمله مهمترین مراکز مشاوره سیاستی دستگاهی در کشور می‌توان به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و بودجه، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزش عالی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، پژوهشکده پولی بانکی، پژوهشکده انرژی، پژوهشکده صنعت نفت، پژوهشگاه نیرو، پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور، مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات و ... اشاره کرد.

مراکز مشاوره سیاستی دفاعی نظامی امنیتی: همواره مسائل کلان و تاثیرگذار بر عرصه حکمرانی، سویه‌های دفاعی و امنیتی داشته و مبتنی بر چندوجهی بودن و پیچیدگی مسائل این حوزه، غالباً مراکز تحقیقاتی و پژوهشی امنیتی و دفاعی این گونه مسائل را مورد توجه قرار داده و مبتنی بر ظرفیت‌های ساختاری که در اختیار دارند، تلاش برای جهت‌دهی و هدایت جریان حل مساله و نظام سیاستگذاری به سوی اهداف مطلوب خود را خواهند داشت. با توجه به پیچیدگی‌ها و ملاحظات خاص این مراکز، شاید در این مطالعه به صورت دقیق امکان تبیین و شناخت نقش و جایگاه این مراکز در نظام مشاوره سیاستی امکان‌پذیر نباشد. ولی به صورت محدود می‌توان به مهمترین مراکز پژوهشی و تحقیقاتی تابعه مراکز دفاعی و امنیتی اشاره کرد که مواردی مانند دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، و ... اشاره نمود.

مراکز سایه و نامرئی، گروه‌های فشار: در ادبیات نظام مشاوره سیاستی مفاهیمی همچون مراکز و گروه‌های سایه^{۵۶} یا «نامرئی»^{۵۷} به‌عنوان اصطلاحی تخصصی یاد می‌شود به‌طوری‌که همواره در فرآیند سیاستگذاری گروه‌های مختلفی در پشت صحنه

56. Shadow Groups

57. invisible

مراکز مشاوره‌ای حوزوی: با توجه به اینکه یکی از ارکان اساسی قانون اساسی در کشور، موضوع اسلامیت است و سیاست‌های کلان کشور نیز توسط مقام معظم رهبری در جایگاه ولی فقیه تبیین می‌گردد، یکی از ظرفیت‌هایی که امکان کنشگری فعال در طراحی و دستورکارگذاری سیاست‌های عمومی و قوانین را خواهند داشت، نهاد حوزه و مجموعه‌های تابعه به شمار می‌آیند. از جمله مهمترین مراکز تابعه حوزوی مرتبط می‌توان به پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده باقرالعلوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اندیشکده دین و حکمرانی، اندیشکده معنا، و ... اشاره کرد.

نسل نوین نهادهای حکمرانی: در سال‌های اخیر، مجموعه‌های کنشگر در حوزه نظام مشاوره سیاستی شکل گرفته‌اند که روش خود را بر بهره‌گیری از ابزارها و فناوری‌های نوین سیاستگذاری و حکمرانی قرار داده و نقش موثری در جهت‌دهی به ارکان سیاستگذاری کشور در عرصه‌های مختلف داشته‌اند. از جمله مهمترین این موارد می‌توان به مراکز افکارسنجی در کشور شامل (مرکز افکارسنجی صداوسیما، ایسپا، افکارسنجی ملت، متا و ...)، آزمایشگاه‌های حکمرانی شامل آزمایشگاه حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس، آزمایشگاه حکمرانی دانشگاه عالی دفاع ملی، آزمایشگاه حکمرانی دانشگاه تهران و ...، مراکز نوآوری بخش عمومی شامل خانه خلاق قوه مقننه، مرکز نوآوری سازمان اداری استخدامی و ...، مراکز تحلیلگر داده و هوش مصنوعی شامل اندیشکده دیتاک، آزمایشگاه داده و حکمرانی و ...، رصدخانه‌های بخش عمومی (شامل رصدخانه مهاجرت، مرکز رصد آسیب‌های اجتماعی کشور و ...) اشاره کرد.

دستورکارگذاری نقش فعالی داشته و غالباً اثر این مجموعه‌ها، ظهور و بروز رسانه‌ای ندارد. بر همین اساس می‌توان نقش این گروه‌ها و مراکز را در نظام مشاوره سیاستی ایران نیز حائز اهمیت دانست.

جریان‌های وابسته به احزاب سیاسی: همواره احزاب سیاسی^{۵۸} به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام مشاوره سیاستی به شمار می‌آیند. احزاب سیاسی به واسطه نزدیکی به قدرت، امکان تاثیرگذاری و نفوذ برای تغییر و جهت‌دهی به عرصه مشاوره سیاستی را در اختیار خواهند داشت.

کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم نهاد علم

مراکز مشاوره سیاستی تابعه دانشگاهی: دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، به دلیل حضور و تجمع نیروهای انسانی خبره و سرمایه‌های دانشی^{۵۹}، امکان گسترده‌ای در کنشگری نظام مشاوره سیاستی داشته و این کنشگری در قالب‌های مختلفی همچون تولید دانش سیاستی قابل طرح می‌باشد. در ساختارهای سنتی نهاد علم، کنشگران تابعه غالباً ذیل کارکردهای آموزش و پژوهش محصور و منحصر بوده‌اند اما در سال‌های اخیر جریان‌ها و ساختارهای دانشگاهی شکل گرفته که پایی در عرصه سیاستگذاری و حل مساله داشته و به نوعی نقش مشاوره سیاستی را ایفا می‌نمایند. از مهمترین این مراکز در ایران می‌توان به پژوهشکده سیاستگذاری و اندیشکده حکمرانی شریف؛ اندیشکده سیاستگذاری امیرکبیر، مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)، اندیشکده حکمرانی دانشگاه تهران، مرکز بینش‌های رفتاری دانشگاه تهران و ... اشاره نمود.

58. political parties

59. Knowledge capital

کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم جامعه

اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر: اندیشکده‌ها نهادهایی هستند که با انجام تحقیقات، تحلیل‌های سیاستی و ارائه مشاوره به تصمیم‌گیران و عموم مردم، نقش مهمی در فرآیند سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی، تعداد اندیشکده‌ها در ایران به‌طور قابل توجهی افزایش یافته و در حال حاضر بیش از ۲۰۰ اندیشکده در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. این امر نشان از رونق و نهادینگی فعالیت اندیشه‌ورزی و نقش و اهمیت اندیشکده‌ها در نظام تصمیم‌گیری دارد. در سال‌های اخیر ساماندهی و نمایه‌سازی اندیشکده‌ها در مجموعه‌ای با عنوان جامعه اندیشکده‌ها انجام گرفته و از جمله مهمترین اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر در کشور می‌توان به شبکه کانون‌های تفکر ایران ایتان، بنیاد توسعه فردا، مرکز پژوهشی آرا، پژوهشکده حکمت، اندیشکده حکمرانی و فناوری نرم فطن، انجمن دیاران، موسسه علم و سیاست اشراق، مرکز مطالعات راهبردی ژرفا، اندیشکده راهبردی مهاجر، پژوهشکده مهرستان و ... اشاره کرد.

کنشگران بخش خصوصی، اتحادیه‌ها و اصناف: همواره یکی از گروه‌هایی که متاثر از سیاست‌های عمومی می‌گردند، فعالین و کنشگران بخش خصوصی به شمار می‌آیند. این فعالین در قالب‌های مختلف همچون اتحادیه‌ها، کمیته‌ها، انجمن‌ها و ... شکل گرفته‌اند. از جمله مهمترین نهادهای فعال در بخش خصوصی در ایران که نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشور دارد می‌توان به اتاق بازرگانی، شرکت‌های بخش خصوصی و ... اشاره کرد.

گروه‌های ذینفع: هر سیاست که در دستور کار دولت و حکومت قرار می‌گیرد، همواره از منظر اقتصاد

سیاسی نیز قابل تحلیل می‌باشد و گروه‌های مختلف ذینفع نیز متاثر از خط‌مشی‌های عمومی خواهند بود. بنابراین این مجموعه‌ها در قالب‌های مختلف تلاش برای اعمال نفوذ در فرآیند مشاوره سیاستی و تصمیم‌گیری خواهند داشت و به نوعی می‌توان این گروه را در ذیل کنشگران نظام مشاوره سیاستی در نظر گرفت. نمایندگان فعالین اقتصادی، گروه‌های لابی متاثر از ذینفعان اقتصادی، واردکنندگان و صادرکنندگان و ... از جمله این گروه‌ها هستند.

گروه‌های شهروندی: ارائه مشاوره به حکمرانان و سیاستگذاران لزوماً منحصر در مجموعه‌های رسمی علمی و تخصصی یا اندیشکده‌ای نیست. گروه‌های شهروندی نیز در قالب‌های مختلف امکان نظردهی و مشاوره به سیاستمداران پیرامون مسائل عمومی را خواهند داشت. از جمله این موارد می‌توان به NGO های تخصصی، انجمن‌های شهروندی، گروه‌های مردم نهاد کنشگر در حوزه سیاست‌گذاری و ... اشاره نمود.

نخبگان و سرآمدان علمی و اجتماعی: بازیگران نظام مشاوره سیاستی علاوه بر اینکه در قالب نهادی قابل تحلیل می‌باشند، در سطح فردی نیز نیازمند تحلیل و بررسی می‌باشند. بر اساس نظریه نخبه-توده در سیاست‌گذاری، همواره نخبگان یک جامعه نقش بیشتری در دستور کارگذاری و جهت‌دهی به سیاست‌گذاری نسبت به توده و عوام مردم را دارند. این نخبگان هم در سطح جمعی و هم به صورت فردی امکان کنشگری در نظام مشاوره سیاستی را دارا می‌باشند.

رسانه‌ها: هر چند استقلال رسانه‌ها و تعهد این مجموعه‌ها به منفعت عمومی فرای گرایش‌های سیاسی و حزبی حائز اهمیت می‌باشد، اما در دنیای واقعی، همواره رسانه‌های مختلف، جهت‌گیری‌های سیاستی مشخصی داشته و ناظر به مسائل مختلفی

شامل «تصمیم‌گیری و دستور کار گذاری سیاستی»، «اجتماعی سازی و شتابدهی سیاستی»، «ایده پردازی سیاستی»، «خلق و تولید دانش سیاستی»، «نوآوری سیاستی» و «اثربخشی سیاستی» احصا گردیده است. احصای این مولفه‌ها در گام نخست بر اساس ایده گرفتن از مطالعات کتابخانه‌ای شامل (مالی، ۲۰۰۰)، (هاولت، میگون، ۲۰۱۳)، (هاولت، ۲۰۱۱) بوده است که در بخش ادبیات نظری و پیشینه پژوهش هم اشاراتی به این کارکردها شده است. سپس ایده‌های اولیه در تعامل و گفتگو با مطلعین کلیدی ارتقا یافته و این کارکردها احصا و نهایی شده است.

همانطور که در نمودار قابل مشاهده است، آنچه به‌عنوان کارکرد اصلی در لایه دولت و حکومت و مراکز مشاوره سیاستی حاکمیتی و مراکز دستگاهی احصا گردیده «تصمیم‌گیری و دستور کار گذاری سیاستی» بوده است، چرا که غالباً این گونه از کنشگران در فضای قانونگذاری و تدوین سیاست‌های کلیدی در نظام، نقش اساسی داشته و مبتنی بر نزدیکی و دسترسی این مراکز به ساختار قدرت، بیشترین «اثربخشی سیاستی» را در نظام مشاوره سیاستی دارند. از جمله این مراکز می‌توان به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری و ... اشاره کرد.

برخی دیگر از کنشگران فعال در نظام مشاوره سیاستی در ساحت نهاد علم طرح می‌گردند که در این زمینه دو گونه اصلی کنشگران مراکز علمی و دانشگاهی و نسل نوین نهادهای حکمرانی شناسایی شده است که کارکرد اصلی این مجموعه‌ها غالباً «خلق و تولید دانش سیاستی» و «نوآوری سیاستی» بوده است. در خلق و تولید دانش سیاستی هم مراکز دانشگاهی و هم مراکز حوزوی نقش‌آفرین بوده‌اند که مهمترین این مراکز در شکل قابل مشاهده

که در دستور کار سیاستگذار قرار می‌گیرد، امکان کنشگری در تصمیم‌سازی و به تعبیری کارکرد نقش‌آفرینی در نظام مشاوره سیاستی را دارا می‌باشند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش مدنظر بوده است، ترسیم تصویری از زیست‌بوم نظام مشاوره سیاستی در ایران با تاکید بر شناسایی کارکردهای اصلی و گونه‌شناسی بازیگران بوده است. فرآیند رسیدن به این نمودار در گام نخست مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی حوزه مشاوره سیاستی در ادبیات علمی بین‌المللی این حوزه بوده است که پس از بررسی انواع چارچوب‌ها و الگوهای موجود، گونه‌شناسی بلوم و برنز (۲۰۱۷) به‌عنوان چارچوب مبنای پژوهش انتخاب شده است. بر اساس آنچه بلوم و برنز مطرح می‌کنند، کنشگران نظام مشاوره سیاستی در سه عرصه کلی عرصه دولت و حکومت، عرصه علم و عرصه جامعه (اجتماعی) قابل دسته‌بندی می‌باشند.

در گام بعدی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای (بررسی جامعی از مراکز فعال در نظام مشاوره سیاستی با تاکید بر اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر) و گفتگو و تعامل فعال با ۱۵ نفر از مطلعین کلیدی نظام مشاوره سیاستی (در سه دسته اصلی فعالین اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر، اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی و صاحب‌نظران تحقیقاتی در مراکز مشاوره سیاستی حاکمیتی و دولتی) از یک سو کارکردهای این مراکز در نظام مشاوره سیاستی و از سویی دیگر جانمایی مکانی این مراکز در سه لایه اصلی نهاد دولت و حکومت، نهاد علم و نهاد جامعه احصا گردیده است. بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و احصای نظرات مطلعین کلیدی، کارکردهای مرتبط با مراکز مشاوره سیاستی

کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم دولت و حکومت: مهمترین کنشگران نظام مشاوره سیاستی در عرصه دولت و حکومت می‌توان به مراکز مشاوره سیاستی حاکمیتی، مراکز مشاوره سیاستی دستگاهی، مراکز مشاوره سیاستی دفاعی امنیتی، جریان‌های وابسته به احزاب سیاسی، مراکز سایه، نامرئی و گروه‌های فشار اشاره کرد که مهمترین کارکرد این مجموعه‌ها اثربخشی سیاستی و تصمیم‌سازی و دستور کارگذاری سیاستی است.

کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم جامعه: مهمترین کنشگران نظام مشاوره سیاستی در عرصه جامعه می‌توان به اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر، رسانه‌ها، گروه‌های ذینفع، کنشگران بخش خصوصی، اتحادیه‌ها و اصناف، گروه‌های شهروندی و نخبگان اجتماعی اشاره کرد که مهمترین کارکردهای مرتبط با این گروه ایده‌پردازی سیاستی و اجتماعی‌سازی و شتابدهی سیاستی در نظر گرفته شده است.

کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم نهاد علم: مهمترین کنشگران نظام مشاوره سیاستی در عرصه نهاد علم می‌توان به مراکز مشاوره سیاستی تابعه دانشگاهی و مراکز مشاوره سیاستی تابع حوزوی و نسل نوین نهادهای حاکمیتی اشاره کرد که مهمترین کارکردهای مرتبط با این دسته خلق و تولید دانش سیاستی و نوآوری سیاستی شناسایی شده است.

بر اساس این دسته‌بندی، می‌توان نحوه شکل‌گیری سیاست‌های عمومی را در قالب چرخه کلی، اجتماعی‌سازی و شتابدهی سیاستی، ایده‌پردازی سیاستی، خلق و تولید دانش سیاستی، نوآوری سیاستی، اثربخشی سیاستی و تصمیم‌سازی و دستور کارگذاری سیاستی در نظر گرفت که ذیل

است. در ساحت مراکز نوپدید و نوآور در حوزه مشاوره سیاستی نیز مجموعه‌هایی همچون مراکز افکارسنجی، رصدخانه‌های حکمرانی، مراکز نوآوری بخش عمومی، مراکز تحلیل داده؛ آزمایشگاه‌های حکمرانی و ... شناسایی شده است.

بر اساس چارچوب مینای منتخب، علاوه بر ساحت کلی دولت و حکومت و ساحت نهاد علم، دو گونه اصلی کنشگران بخش خصوصی و کنشگران اجتماعی مردمی شناسایی شده است که آنچه در این لایه کارکرد اصلی ناظر به نظام مشاوره سیاستی بوده است، از سوی «اجتماعی‌سازی و شتابدهی سیاستی» به این مراکز از سوی حاکمیت در راستای نقش‌آفرینی موثر و بیشتر و از سوی دیگر «ایده‌پردازی سیاستی» از سوی این مراکز خصوصاً اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر به‌عنوان مجموعه‌های اجتماعی فعال در نظام مشاوره سیاستی احصا گردیده است.

بر همین اساس به‌عنوان جمع‌بندی، اهم بازیگران نظام مشاوره سیاستی در ایران در سه عرصه کلی دولت و حکومت، نهاد علم و جامعه (اجتماعی) قابل دسته‌بندی می‌باشد که بر اساس آنچه در شکل زیر به تصویر درآمده است.

لازم به ذکر است که نحوه اتصال انواع بازیگران به کارکردها، در گام نخست به صورت اسنادی (بررسی نوع کارکرد مراکز مشاوره سیاستی بر اساس بررسی محتوای منتشر شده این مراکز در تارنمای سازمانی و بازنمایی اقدامات این مراکز در فضای رسانه‌ای و به صورت کلی بررسی هر گروه اطلاعات آشکار پیرامون این مراکز) انجام گرفته است و در مرحله بعد اتصال این کارکردها با انواع مراکز در تعامل با مطلعین کلیدی اعتبار یابی شده است که بر همین اساس در این راستا نکات زیر جمع‌بندی می‌شود:

این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، صرفاً به تشریح الگوهایی از نظام مشاوره سیاستی می‌پردازند و کاربست این الگوها در یک کشور یا ناحیه را مورد بررسی قرار نداده‌اند. بر این اساس هر چند گونه‌شناسی‌های دیگری نیز در ادبیات پژوهشی وجود دارد، منتها تاکنون مطالعه‌ای که مراکز مشاوره سیاستی در یک منطقه یا کشور را در قالب یک دسته‌بندی نظام مشاوره سیاستی معرفی و تحلیل نماید انجام نگرفته است که به نوعی ابتکار و نوآوری این پژوهش به شمار می‌آید.

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

در مقام جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات سیاسی در ابتدا مروری بر وضعیت زیست‌بوم مشاوره سیاستی در ایران خواهیم داشت. بر اساس چارچوب منتخب، سه عرصه اصلی کنشگری نهادهای مشاوره سیاستی در ایران شامل دولت و حاکمیت، نهاد علم و جامعه می‌باشد. در عرصه دولت و حاکمیت غالباً ویژگی نهادهای اصلی فعال در مشاوره سیاستی، دسترسی هرچه بیشتر به ساختار و منابع قدرت و نفوذ می‌باشد. در سال‌های اخیر نیز مشاهده می‌گردد که در طراحی سیاست‌های اصلی کشور مراکز نزدیک به ساختارهای قدرت و تصمیم‌گیری نقش حائز اهمیتی در مشاوره سیاستی داشته‌اند. مراکز وابسته به دولت و حاکمیت (همانند مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مراکز دفاعی نظامی و امنیتی و ...) از جمله این مراکز هستند. از سویی دیگر در نهاد علم، به دلیل تجمیع سرمایه‌های انسانی خبره و دسترسی به منابع دانشی، امکان تولید علم و ایجاد نهادهای دانشگاهی اثرگذار بر نظام مشاوره سیاستی ایران قابل توجه می‌باشد. در همین راستا می‌توان به شکل‌گیری مجموعه‌هایی همچون

پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه شریف، اندیشکده سیاست‌گذاری دانشگاه امیرکبیر، مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) و ... اشاره کرد. همچنین نهادهای نوآور فعال در عرصه حکمرانی و سیاست‌گذاری همچون آزمایشگاه‌های حکمرانی، مراکز افکارسنجی، مراکز تحلیل داده، رصدخانه‌های حکمرانی و مراکز نوآوری بخش عمومی نیز در سال‌های اخیر در تعامل با نهاد علم رشد قابل توجهی یافته است. به موازات توسعه کنشگران مشاوره سیاستی در نهاد حکومت و نهاد دولت، در جامعه نیز کنشگرانی همچون گروه‌های مدنی، رسانه‌ها، اندیشکده‌های مستقل، کنشگران بخش خصوصی و انجمن‌های شهروندی در شکل‌گیری و جهت‌دهی سیاست‌های عمومی در کشور در سال‌های اخیر نقش قابل توجهی در زیست‌بوم مشاوره سیاستی ایفا نموده‌اند. هر چند این سه حوزه به صورت مجزا و غیریکپارچه تاکنون دستاوردهایی در پیشبرد موثر نظام مشاوره سیاستی در کشور داشته‌اند، اما اثربخشی حداکثری در تمامی ظرفیت‌های نظام مشاوره سیاستی در ایران نیازمند طراحی یک الگوی همکارانه در بستر زیست‌بوم تعاملی می‌باشد.

در همین راستا در این مطالعه شناسایی ابعاد زیست‌بوم و گونه‌شناسی کنشگران مشاوره سیاستی در ایران بر اساس چارچوب طرح شده در بخش پیشینه پژوهشی بر اساس گونه‌شناسی بلوم و برنز (۲۰۱۷) انجام گرفته و بر اساس آنچه در ادبیات پژوهشی ذیل مفهوم «حکمرانی همکارانه» و «ظرفیت نهادی» مورد بحث و بررسی قرار گرفت، پیشنهاداتی جهت ارتقای کارآمدی نظام مشاوره سیاستی در ایران ارائه گردیده است.

بر اساس آنچه در چارچوب حکمرانی همکارانه (امرسون، نباتچی، ۲۰۱۹) طرح گردیده است،

جدول ۲- جمع‌بندی گونه‌شناسی و تحلیل مختصات مراکز مشاوره سیاستی در ایران (مستخرج از بررسی نظری و ملاحظات خبرگانی)

گونه‌شناسی مراکز مشاوره سیاستی	مختصات و اختصاصات	مزایا	چالش‌ها و محدودیت‌ها	پیشنهادات
کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم دولت و حکومت	مهمترین کنشگران نظام مشاوره سیاستی در عرصه دولت و حکومت می‌توان به مراکز مشاوره سیاستی حاکمیتی، مراکز مشاوره سیاستی دستگاهی، مراکز مشاوره سیاستی دفاعی امنیتی، جریان‌های وابسته به احزاب سیاسی، مراکز سایه، نامرئی و گروه‌های فشار اشاره کرد که مهم‌ترین کارکرد این مجموعه‌ها اثربخشی سیاستی و تصمیم‌سازی و دستور کارگذاری سیاستی است.	-دسترسی به ساختار قدرت -تامین مالی پایدار - دسترسی به داده، اطلاعات و شواهد - دسترسی و تعامل موثر با شبکه و بازیگران حوزه حکمرانی	-بروکراسی حاکم بر روبه‌های اداری و فرآیندی -سیطره سایه قدرت و منافع حاکمیتی بر اندیشه‌ورزی سیاستی -چالش در استقلال رای -ضعف در بهره‌گیری از همه آرا و اندیشه‌های متکثر در جامعه	-رفع موانع بروکراتیک در چارچوب ایجاد ساختار منعطف و پویا - ایجاد رویکرد بازبودگی (Openness) در راستای بهره‌گیری حداکثری از نظرات خبرگانی -تغییر نقش از تصدی‌گری و انحصار در مشاوره سیاستی به پذیرش نقش واسطه‌گری و هاب بودن در مشاوره سیاستی
کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم جامعه	مهمترین کنشگران نظام مشاوره سیاستی در عرصه جامعه می‌توان به اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر، رسانه‌ها، گروه‌های ذینفع، کنشگران بخش خصوصی، اتحادیه‌ها و اصناف، گروه‌های شهروندی و نخبگان اجتماعی اشاره کرد که مهم‌ترین کارکردهای مرتبط با این گروه ایده‌پردازی سیاستی و اجتماعی‌سازی و شتابدهی سیاستی در نظر گرفته شده است.	- استقلال نظر و رای - غیر بروکراتیک بودن - رویه‌های ساختاری و فرآیندی - امکان تعامل با همه دیدگاه‌های متنوع در اندیشه‌ورزی - امکان اثربخشی سیاستی در چارچوب «پژوهش پاسخ سریع» (RRR)	-تامین مالی ناپایدار - نیروی انسانی ناپایدار - ضعف در دسترسی به ساختار قدرت - ضعف در دسترسی به داده، اطلاعات و شواهد - ضعف در دسترسی به شبکه و بازیگران حوزه حکمرانی	-ایجاد زیست‌بوم حمایتی موثر در حمایت و اثربخشی مراکز مشاوره سیاستی غیردولتی - هویت بخشی موثر به مراکز اندیشه‌گاهی - حمایت موثر از بازیگران غیردولتی فعال در مشاوره سیاستی و کارآفرینی خط مشی -اتصال موثر مراکز اندیشه‌ورزی غیر دولتی به ساختارهای حکمرانی و شواهد و اطلاعات ناظر به حل مساله
کنشگران نظام مشاوره سیاستی در زیست‌بوم نهاد علم	مهمترین کنشگران نظام مشاوره سیاستی در عرصه نهاد علم می‌توان به مراکز مشاوره سیاستی تابعه دانشگاهی و مراکز مشاوره سیاستی تابع حوزوی و نسل نوین نهادهای حاکمیتی اشاره کرد که مهم‌ترین کارکردهای مرتبط با این دسته خلق و تولید دانش سیاستی و نوآوری سیاستی شناسایی شده است.	-دسترسی بیشتر به خبرگان، نخبگان و صاحب‌نظران علمی -دسترسی به منابع دانشی با تکیه بر دانشجویان و ... - ظرفیت‌های ساختاری حاکمی اندیشه‌ورزی و حل مساله (پایان نامه و ...) -مدیریت و انتشار علمی موثر دانش در قالب‌های آکادمیک -فرهنگ علمی و آکادمیک مروج حل مساله	- بروکراسی غیرمنعطف و سنتی نهاد علم (مقاله محوری و ...) - عدم دسترسی به داده، اطلاعات و شواهد کافی - ضعف در تامین مالی پژوهشگران - ضعف در دسترسی به ساختار قدرت - ضعف در نظام انگیزشی - مداخله استاید دانشگاهی در مشاوره سیاستی	-بازطراحی قواعد و فرآیندهای نهاد علم از رویکرد سنتی بروکراتیک (مقاله محوری) به رویکرد اثربخشی در حل مساله - تامین مالی هوشمند و چندلایه نهاد علم مبتنی بر ایجاد نهادهای واسط حکمرانی - هدفمندسازی ظرفیت‌های مشاوره سیاستی آکادمیک - ایجاد و توسعه ساختارهای نوین مشاوره سیاستی حکمرانی در نهاد علم (ازمایشگاه‌های حکمرانی دانشگاهی، اندیشکده‌های دانشگاهی و ...)

جامعه پیشنهادات با تفصیل بیشتر و ارائه راهکارهای عملیاتی و مشخص ارائه می‌گردد.

ایجاد زمینه و محیط مساعد جهت شکل‌گیری، رشد، هدایت و اثرگذاری موثر بازیگران و کنشگران نظام مشاوره‌سیاستی

از جمله راهبردهایی که در راستای ارتقای کارکرد نظام مشاوره‌سیاستی در ایران قابل طرح است می‌توان به ایجاد زمینه و محیط مساعد جهت شکل‌گیری، رشد، هدایت و اثرگذاری موثر بازیگران و کنشگران نظام مشاوره‌سیاستی اشاره کرد. آنچه مهمتر از حمایت مستقیم این مراکز و کنشگران است، ایجاد فضایی مساعد جهت فعالیت و رفع موانع ساختاری، قانونی و فرآیندی در سازوکارهای مشاوره‌سیاستی در ایران است. هر چند به‌عنوان یک نمونه موفق می‌توان به شکل‌گیری بستی با عنوان «جامعه اندیشکده‌ها» اشاره کرد، اما هنوز با ایجاد زیست‌بومی یکپارچه که مورد وفاق و پذیرش دولت و حکومت، نهاد علم و جامعه باشد فاصله داریم.

پیشنهاد مستقیم: مداخله مجلس شورای اسلامی مبتنی بر ظرفیت‌های قانونگذاری و نظارت در راستای تدوین قوانین یا زیرنظام‌های قانونی در راستای تسهیل شکل‌گیری، رشد، هدایت و اثرگذاری موثر بازیگران و کنشگران نظام مشاوره‌سیاستی

ایجاد محرک‌ها و نظام‌های مشوق و انگیزشی موثر برای کنشگران مشاوره‌سیاستی در ایران

از جمله چالش‌هایی که در نظام مشاوره‌سیاستی قابل طرح است ضعف در طراحی سازوکارهای انگیزشی و مشوق‌دهی به بازیگران این حوزه است. این که منحصرآ نفع کارکردی و کنشی این بازیگران محدود در نگاه‌های اقتصادی باشد، می‌تواند منظر منفعت عمومی نیز این مساله را طرح کرد و فراتر از

مولفه‌های اصلی در شکل‌گیری حکمرانی همکارانه در نظام مشاوره‌سیاستی می‌توان به ایجاد زمینه و بستر زیست‌بوم، ایجاد محرک‌های انگیزشی در حکمرانی همکارانه، ظرفیت‌سازی برای اقدامات این کنشگران، ایجاد فضای تعامل و درگیری اصولی و ... شناسایی شده است. بر همین اساس در چارچوب حکمرانی همکارانه امرسون و نباتچی (۲۰۱۹) و ناظر به یافته‌های پژوهش، راهکارهای اساسی «ایجاد زمینه و محیط مساعد جهت شکل‌گیری، رشد، هدایت و اثرگذاری موثر بازیگران و کنشگران نظام مشاوره‌سیاستی»، «ایجاد محرک‌ها و نظام‌های مشوق و انگیزشی موثر برای کنشگران مشاوره‌سیاستی در ایران»، «زمینه‌سازی شبکه‌سازی در راستای شکل‌گیری ارتباطات سیاستی، درگیری‌ها و تعاملات اصولی در کنشگران نظام مشاوره‌سیاستی»، «پرورش، توانمندسازی و توسعه ظرفیت‌های انسانی موثر در نظام مشاوره‌سیاستی»، «بازسازی ساختاری دولت و حکومت در راستای ظرفیت‌آفرینی برای مشارکت کنشگران نظام مشاوره‌سیاستی» و «طراحی رژیم حکمرانی همکارانه در نظام مشاوره‌سیاستی» شناسایی شده است.

در جدول زیر تلاش گردید جمع‌بندی جامعی از گونه‌شناسی این مراکز، مختصات و اختصاصات، مزایا، چالش‌ها و محدودیت‌ها و پیشنهادات ناظر بر هر گونه از مراکز ارائه گردد.

در ادامه در راستای بهبود و ارتقای نظام مشاوره‌سیاستی در ایران مبتنی بر چارچوب طرح شده در موضوع حکمرانی همکارانه و ارائه مبانی نظری حول موضوع ظرفیت‌نهادی و ظرفیت‌سازی، بر اساس شناسایی و گونه‌شناسی کنشگران نهادی نظام مشاوره‌سیاستی در ایران در سه زیست‌بوم دولت و حکومت، زیست‌بوم نهاد علم و زیست‌بوم

جذاب بوده است، قرار گرفته در یک شبکه تعاملی در راستای اثربخشی هر چه بیشتر سیاست‌ها و مشارکت فعالانه در دستور کارگذاری و جهت‌دهی به سیاست‌های ملی است. ایجاد و ظرفیت‌سازی در راستای حداکثرسازی مشارکت‌ها و تعاملات این بازیگران همواره می‌تواند مورد توجه سیاستگذاران و فعالین این حوزه قرار گیرد.

پیشنهاد مستقیم: حمایت و پشتیبانی از جامعه اندیشکده‌ها با هدف نقش‌آفرینی موثر این مجموعه در راستای ایجاد ظرفیت‌های تعاملی و مشارکتی حداکثری در میان کنشگران و بازیگران حوزه نظام مشاوره سیاستی از طریق برگزاری جلسات، رویدادها، نشست‌ها، همایش‌های تخصصی و ...

پرورش، توانمندسازی و توسعه ظرفیت‌های انسانی^{۶۰} و اجتماعی موثر در نظام مشاوره سیاستی

تمرکز اصلی این پیشنهاد افزایش تأمین نیروی متخصص و فنی در نظام مشاوره سیاستی است. این راهبرد شامل ایجاد ظرفیت (افزایش عرضه مهارت‌ها) و افزایش ظرفیت (تعمیق سطوح مهارت از طریق انتقال ایده‌ها، فنون و نظام‌های جدید) است. به عبارت دیگر، ایجاد ظرفیت به تغییر کمی در کادر حرفه‌ای اشاره دارد و افزایش ظرفیت به تحول کیفی ظرفیت یک گروه اشاره دارد. بر همین اساس پرورش، توانمندسازی و توسعه ظرفیت‌های انسانی موثر در نظام مشاوره سیاستی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

-پیشنهاد مستقیم: مرکز آموزش مدیریت دولتی ذیل سازمان اداری استخدامی کارویژه مشخصی را جهت پرورش، توانمندسازی و توسعه ظرفیت‌های انسانی موثر در نظام مشاوره سیاستی مدنظر قرار دهد.

منافع اقتصادی و نگاه بازارمحور به مشاوره سیاستی، مجموعه‌ای از محرک‌ها و نظام‌های مشوق جهت تشویق و مشارکت حداکثری در فضای مشاوره سیاستی را ایجاد نمود. مساله‌ای که در نظام مشاوره سیاستی ایران در تعامل با صاحب‌نظران شناسایی شده است و به مثابه یکی از چالش‌های اصلی مجموعه‌های فعال در مشاوره سیاستی خصوصاً اندیشکده‌ها و کانون‌های تفکر نوپا در این زمینه شناسایی شده است، چالش «خلا ساختاری پشتیبان»، «فقدان نظام انگیزشی موثر نیروهای خبیره» و «تامین مالی پایدار» این مراکز است. همچنین از جمله چالش‌های دیگر در این زمینه، می‌توان به «فقدان کارراهه شغلی منابع انسانی فعال در نظام مشاوره سیاستی» اشاره کرد به طوری که بسیاری از فعالین اندیشگاهی به دلیل عدم جانمایی موثر در ساختار اداری کشور پس از مدتی سرخورده و از چرخه اثرگذاری بر سیاستگذاری خارج می‌گردند. بر همین اساس پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

پیشنهاد مستقیم: اصلاح سازوکارهای سازمان اداری استخدامی در راستای جانمایی و مشوق‌دهی به فعالین و کنشگران نظام مشاوره سیاستی و اندیشگاه‌ها

پیشنهاد مستقیم: جانمایی سازوکارهای حمایتی و تامین مالی از فعالیت‌های مشاوره سیاستی و اندیشگاهی در برنامه‌های توسعه و قوانین بودجه‌ای کشور توسط سازمان برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی

زمینه‌سازی شبکه سازی در راستای شکل‌گیری ارتباطات سیاستی، درگیری‌ها و تعاملات اصولی در کنشگران نظام مشاوره سیاستی

آنچه برای کنشگران مشاورین سیاستی همواره

60. The development of human capacity

پیشنهاد مستقیم: شورای عالی نظام اداری و سازمان اداری استخدامی، کارکرد و نقش مشاوره سیاستی را در فرآیندها و نظامات اداری کشور مورد توجه ویژه قرار دهد و رویه‌های اداری کشور را بر این اساس مورد بازنگری قرار دهد.

بازسازی ساختاری دولت و حکومت در راستای ظرفیت‌آفرینی برای مشارکت کنشگران نظام مشاوره سیاستی

از جمله چالش‌های پیش رو در نقش‌آفرینی مراکز دانشگاهی و حوزوی، گرایش به ساختارهای معطوف به آموزش و پژوهش و تولید علم آکادمیک بوده و تاکنون کمتر به نقش دهی هر چه بیشتر این مراکز به سمت حل مسائل حکمرانی و مشاوره سیاستی بوده است. بر همین اساس ضرورت دارد در گام نخست ماموریت و فرهنگ سازمانی این مراکز تحول یافته و در گام بعد نظام‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به نظام علمی دانشگاهی کشور در این مسیر اصلاح و ارتقا گردد.

پیشنهاد مستقیم: اصلاح آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با تاکید بر آیین‌نامه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و آیین‌نامه ارتقای اساتید در راستای تشویق و سوق دادن این مراکز به سوی کنشگری سیاستی و حل مسائل نظام حکمرانی

طراحی رژیم حکمرانی همکارانه در نظام مشاوره سیاستی

در نهایت آنچه که ضرورت دارد در راهبری زیست‌بوم مشاوره سیاستی مورد توجه قرار گیرد، طراحی رژیم حکمرانی همکارانه در نظام مشاوره سیاستی است که پیش‌نیاز آن تجدید ساختار نظام‌های ارزشی^{۶۳} در نظام حکمرانی از فعالیت جزیره‌ای، منفک و

پیشنهاد مستقیم: وزارت کشور ظرفیت‌های قانونی و ساختاری لازم جهت حمایت از مجموعه‌های مردم‌نهاد و گروه‌های اجتماعی فعال و کنشگر در راستای حل مسائل حکمرانی و مشاوره سیاستی در کشور را ارتقا دهد.

بازسازی ساختاری دولت و حکومت در راستای ظرفیت‌آفرینی برای مشارکت کنشگران نظام مشاوره سیاستی

همانطور که در زیست‌بوم مشاوره سیاستی در کشور، طرف عرضه مشاوره نیازمند ارتقای کارکردی است، طرف تقاضا که همان دولت و حکومت به شمار می‌آید، نیازمند اصلاحات و سازوکارهای ساختاری متناسب با بهره‌گیری حداکثری از کنشگران مشاوره سیاستی می‌باشد.

در همین راستا می‌توان به ضرورت اصلاح ساختارهای سازمانی^{۶۱} دولت و حکومت در توسعه نظام مشاوره سیاستی تاکید کرد و ظرفیت‌سازی نهادی و تغییر ظرفیت‌نهادی^{۶۲} نظام مشاوره سیاستی در این بخش مورد توجه و تاکید قرار می‌گیرد. این فرآیند بر تغییر شیوه‌ها و رویه‌ها برای استفاده مؤثر از کنشگران داخلی و بیرونی نظام مشاوره سیاستی تمرکز دارد و تلاش می‌کند تا به بهبود نهادهای بخش عمومی بپردازد. حل مسائل نظام‌مند، مستلزم ظرفیت‌سازی نهادی در دولت و حکومت است که توسعه راهبردی حل جمعی مسائل پیچیده، از جمله توسعه دانش، تبادل منابع و اشتراک‌گذاری ابزارها را ممکن می‌سازد. بنابراین ضرورت دارد دولت و حکومت ارکان مختلف ساختاری و نهادی خود را در جهت نوآوری باز حداکثری و بهره‌مندی از ظرفیت کنشگران نظام مشاوره سیاستی اصلاح نماید.

61. The modification of organizational structure

62. The transformation of institutional capacity

63. The restructuring of value systems

غیرسیستماتیک، به یک الگوی همکارانه و تعاملی است. این عامل به ظرفیت‌سازی با تجدید و بازسازی ارزش‌ها، باورها و دانش حکمرانان ارتباط مستقیم دارد و مستلزم عزم جدی سیاستگذاران کشور در این حوزه می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

همه اصول اخلاقی در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش با حمایت دفتر مطالعات حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به انجام رسیده است.

تعارض منافع

بنابراین اظهار نظر نویسنده، این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

منابع فارسی

الیاسی، مهدی. (۱۴۰۱). هم‌افزایی الگوهای سیاستی: رویکرد سه‌گانه تنظیم‌گری - برنامه-آژانس مجری (مورد پژوهشی طراحی سیاست‌های معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور). مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱۲(۴۵)، ۱۶۶-۱۸۸.

doi: 10.22034/sspp.2023.2001811.3423

زندى، محمد احسان، خیاطیان، محمدصادق. (۱۴۰۲). شناسایی و تبیین مؤلفه‌های مفهوم ظرفیت نوآوری با استفاده از روش فراترکیب. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱۳(۴۹)، ۱۴۶-۱۷۰.

doi: 10.22034/sspp.2024.1988658.3469

ساروخانی، باقر؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۰.

فرتاش، کیارش، صفدری رنجبر، مصطفی، قربانی، امیر. (۱۴۰۲). تحلیل کارکردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در نظام ملی نوآوری؛ یک پژوهش آمیخته. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱۳(۴۸)، ۱۴۲-۱۷۰.

doi: 10.22034/sspp.2023.2011078.3486

گال، مردیت و دیگران؛ روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، احمدرضا نصر و دیگران، تهران، سمت و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳، چاپ اول، ج ۲، ص ۹۴۲-۹۴۳.

ویمر، راجر دی و دومنیک، جوزف آر؛ تحقیق در رسانه‌های جمعی، کاووس سیدامامی، تهران، سروش، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۲۰۰.

یین، رابرت؛ تحقیق موردی، علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶، چاپ دوم، ص ۲۰.

References

- Ansell, C., Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of public administration research and theory*, 18(4), 543-571.
- Bartenberger, M., & Grubmüller, V. (2014). The enabling effects of open government data on collaborative governance in smart city contexts. *Journal of Democracy and Open Government*, Forthcoming.
- Batory, A., & Svensson, S. (2019). The fuzzy concept of collaborative governance: A systematic review of the state of the art. *Central European Journal of Public Policy*, 13(2), 28-39.
- Blum, S., & Brans, M. (2017). Academic policy analysis and research utilization for policymaking. In M. Brans, I. Geva-May, & M. Howlett (Eds.), *Handbook of comparative policy analysis* (pp. 341-359). Routledge.
- Cid, A., & Lerner, A. M. (2023). Local governments as key agents in climate change adaptation: challenges and opportunities for institutional capacity-building in Mexico. *Climate Policy*, 1-13.
- Craft J, Halligan J. (2020) .Policy Advisory Systems: An Introduction. In: *Advising Governments in the Westminster Tradition: Policy Advisory Systems in Australia, Britain, Canada and New Zealand*. Cambridge Studies in Comparative Public Policy. Cambridge University Press; 2020:1-16.
- Craft, J., & Halligan, J. (2017). Assessing 30 years of Westminster policy advisory system experience. *Policy Sciences*, 50, 47-62. doi: 10.1007/s11077-016-9256-y
- Craft, J., & Howlett, M. (2012). Policy formulation, governance shifts and policy influence: Location and content in policy advisory systems. *Journal of Public Policy*, 32(2), 79-98. Doi: 10.1017/S0143814X12000049
- Craft, J., & Howlett, M. (2013) The dual dynamics of policy advisory systems: The impact of externalization and politicization on policy advice. *Policy and Society*, 32 (3), 187-197. doi: 10.1016/j.polsoc.2013.07.001
- Craft, J., & Howlett, M. (2013). The dual dynamics of policy advisory systems: The impact of externalization and politicization on policy advice. *Policy and Society*, 32(3), 187-197. <https://doi.org/10.1016/j.polsoc.2013.07.001>
- Craft, J., & Wilder, M. (2017), *Catching a second wave: Context and compatibility in advisory system dynamics*. *Policy Studies Journal*, 45, 215-239. doi: 10.1111/psj.12133
- Emerson, K., & Nabatchi, T. (2015). *Collaborative governance regimes*. Georgetown University Press.
- Emerson, K., Nabatchi, T., & Balogh, S. (2012). An integrative framework for collaborative governance. *Journal of public administration research and theory*, 22(1), 1-29.
- Fraussen, B., & Halpin, D. (2017). Think tanks and strategic policymaking: The contribution of think tanks to policy advisory systems. *Policy Sciences*, 50, 105-124. doi: 10.1007/s11077-016-9246-0
- Fresneda Fuentes, S., & Hernández Borreguero, J. (2018). Institutional capacity in the accounting reform process in Spanish local governments. *Revista de Contabilidad*, 21(2), 188-195. <https://doi.org/10.1016/j.rcsar.2018.05.002>
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1982). Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry. *ECTJ*, 30(4),

- 233-252.
- Howlett, M. (2009) Policy advice in multi-level governance systems: Sub-national policy analysts and analysis. *International Review of Public Administration*, 13(3), 1–16. Doi: 10.1080/12294659.2009.10805127
- Howlett, M. (2011), Public managers as the missing variable in policy studies: An empirical investigation using Canadian data. *Review of Policy Research*, 28, 247–263. doi: 10.1111/j.1541-1338.2011.00494.x
- Howlett, M., & Migone, A. (2013) Policy advice through the market: The role of external consultants in contemporary policy advisory systems. *Policy and Society*, 32(3), 241–254. Doi: 10.1016/j.polsoc.2013.07.005
- Howlett, M., & Migone, A. (2013). Searching for substance: Externalization, politicization and the work of Canadian policy consultants 2006–2013. *Central European Journal of Public Policy*, 7(1), 112–133.
- Ibrahim, A. H. (2020). The Role of Institutional Capacity and Governance Practices in Service Delivery: The Case of South Wollo Zone Trade. *Global Scientific Journal*, 8(5), 132–159.
- J. Halligan . Policy advice and the public sector. B. Guy Peters , D.T. Savoie . Governance in a changing environment. 1995; McGill-Queen's University Press: Montreal 138–172.
- Maley, M. (2000). Conceptualizing advisers' policy work: The distinctive policy roles of ministerial advisers in the keating government, 1991–96. *Australian Journal of Political Science*, 35(3), 449–470. doi: 10.1080/713649346
- Manwaring, Robert (2018). Policy Advisory Systems: Understanding Political 'Demand', *Public Policy Network Annual Conference*.
- Mohiddin, A. (2007). Reinforcing capacity towards building the capable state in Africa, Concept paper for AGF.
- OECD (2017), Exploring the interface between policy advisor, Politicians and Public administration, in policy advisory systems: supporting Good Governance and Sound Public Decision Making, OECD Publishing, Paris.
- Spekkink, W. (2013). Institutional capacity building for industrial symbiosis in the Canal Zone of Zeeland in the Netherlands: A process analysis. *Journal of Cleaner Production*, 52, 342-355.
- Taamneh, M., Nawafleh, S., Aladwan, S., & Alquraan, N. (2019). Provincial governors and their role in local governance and development in the Jordanian context. *Journal of Public Affairs*, 19(1), e1900.
- Van Twiſt, et al. (2015). Strengthening (the institutional setting) of strategic advice. OECD seminar. *Toward a Public Governance Toolkit for Policymaking: What works and Why*. 22 April 2015. Paris
- Venkatesh, V., Sykes, T. A., Rai, A., & Setia, P. (2019). Governance and ICT4D initiative success: A longitudinal field study of ten villages in rural India. *Mis Quarterly*, 43(4), 1081-1104.